



تاریخچه مقاله

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۲/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۵/۱۶

فصلنامه علمی پژوهشی آفاق فقاها

دوره سوم، شماره دوم، تابستان ۱۴۰۴، ص ۳۱ تا ۴۳



مطالعه تطبیقی حجیت بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم، در نگاه امام خمینی (قده) و شهید آیت الله صدر (ره)

علیرضا شهامت  طلبه سطح سوم حوزه علمی قم

serat707707@gmail.com

چکیده

اطلاعات مقاله

پژوهش حاضر با هدف تبیین و بررسی تطبیقی «حجیت بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم» در اندیشه‌ی اصولی امام خمینی (ره) و شهید آیت الله صدر (ره) انجام شده است. این تحقیق با رویکرد توصیفی-تحلیلی و انتقادی و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای صورت گرفته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد شهید صدر عدم ردع شارع را به دلیل ملازمه‌ی «سکوت» با «تقصیر در بیان احکام»، به منزله‌ی امضای کلیت بنای عقلایی می‌داند؛ اما امام خمینی (ره) امضای شارع را صرفاً محدود به مصادیق و سیره‌های موجود یا معلوم‌التحقق در عصر معصوم (ع) می‌داند. استدلال شهید صدر مبنی بر توسعه‌ی امضا به «اصل بنا» (به واسطه پرهیز از تقصیر مولا) اثبات‌پذیر است، درحالی‌که در این پژوهش دلیلی برای انحصار نظر شارع به «مصادیق» در دیدگاه امام خمینی (ره) یافت نشد.

نوع مقاله: علمی - پژوهشی

کلید واژه: سیره عقلا، بنای عقلا، ارتکاز عقلا، حجیت ظنون، رجوع به عالم.

مقدمه

سیره و بنای عقلا در مسائل گوناگون به عنوان دلیل فقهی مطرح می‌شود و فقها بر اساس آن -متناسب با مبانی خود در حجیت سیره عقلا- به کشف مراد شارع در حوزه‌های «موضوع»، «فهم از متن» و «حکم» می‌پردازند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۵)؛ همچنین به دلیل هجوم الگوهای متداول غربی در شئون مختلف زندگی و تمسک جریان سکولار حوزوی به حجیت سیره و بنای عقلایی به عنوان دلیل لَبّی و برائت به عنوان دلیل فقاہتی، بسیاری از شئون مدرنیته توسط برخی از جریان‌های حوزوی امری عقلایی تلقی شده و مورد امضای اسلام دانسته می‌شود.

این پژوهش در تلاش است تا حجیت بنای عقلایی «رجوع جاهل به عالم» را مورد بررسی قرار دهد. بر این اساس سؤال اصلی پژوهش این است که آیا «بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم» به صورت مستقل، مورد امضای شارع قرار گرفته است یا امضای شارع معطوف به مصادیق محقق آن در زمان ظهور معصوم بوده است؟ آیا رجوع به روان‌شناس که یکی از مصادیق بنای عقلایی «رجوع جاهل به عالم» است، مورد امضای اسلام است یا تنها مصادیقی مانند «رجوع بیمار به پزشک» -که در زمان معصومین موجود بوده و ردعی نسبت به آن‌ها صورت نگرفته است- از نظر اسلام معتبر هستند؟

این پژوهش می‌کوشد پاسخ این سؤال را در میان نظرات شهید آیت‌الله صدر و امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) بیابد؛ چراکه در میان علمای علم اصول، بررسی نظر امام خمینی و شهید آیت‌الله صدر (رحمة‌الله‌علیه) به دلیل امامت جریان تقابل تمدنی اسلام با بخش‌های مختلف جبهه کفر و استکبار، اهمیتی ویژه می‌یابد. چه اینکه این دو شخصیت با نگاهی جامع و متناظر به همه بنای دانشی اسلام و همچنین با در نظر داشتن رشد دادن جوامع اسلامی به سمت اهداف والای اسلامی، طبیعتاً دقت‌هایی افزون بر بقیه اصولیین داشته‌اند. دیگر اینکه فهم ابعاد علمی این زعمای شیعی به شناخت بهتر این بزرگواران به عنوان بخش‌هایی از حقیقت جاری جریان اسلام ناب کمک می‌کند.

در این مسئله، امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) عدم‌الردع شارع حکیم از «رجوع جاهل به عالم» را تنها ناظر به مصداق‌های موجود در زمان معصوم و یا مصادیقی می‌داند که در زمان معصوم موجود نبوده‌اند ولی برای مردم و معصومین با علم عادی، تحقق آن‌ها در آینده معلوم بوده است.

اما شهید صدر (رحمة‌الله‌علیه) عدم‌الردع شارع را نه تنها ناظر به سیره‌های موجود در زمان معصوم، بلکه ناظر به اصل ارتکاز و بنای عقلایی پشتیبان این سیره‌ها (بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم) می‌داند؛ بنابراین معتقد هستند که اگر مصداق جدیدی از خبره و عالم در عصرهای بعد پیدا شود، هر چند که با علم معمولی در زمان معصوم برای معصوم و افراد جامعه تحقق این مصداق در آینده معلوم نبوده است، شارع با ردع نکردن بنای عقلایی «تبعیت جاهل از عالم» در حقیقت این مصداق مستحدث را هم امضا کرده است.

این بررسی مقایسه‌ای در موضوع حجیت بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم، با تکیه بر

آرای شهید صدر و امام خمینی (رحمة الله علیه)، در قالب مقاله و پایان نامه تاکنون بحث نشده است.

در این مقاله ابتدا به تعریف مفردات این مسئله از نگاه امام و شهید صدر (رحمة الله علیهما) پرداخته می شود؛ از بین تعاریف گوناگون برای هر یک از واژگان اساسی این مسئله، یک تعریف معیار انتخاب و بیان می شود؛ نظر امام خمینی (رحمة الله علیه) با تکیه بر کتب اصولی ایشان و تقاریر شاگردانشان بیان می شود و سپس نظر شهید صدر تبیین می گردد.

در ادامه تلاش می شود تا محل اختلاف این دو شخصیت بزرگ به صورت دقیق مشخص و منشأ این اختلاف دیدگاه کشف شود. در نهایت با کنار هم گذاشتن استدلال ها، استدلالی که قوی تر به نظر می رسد بیان می شود.

۱. معنای بنا، ارتکاز و سیره عقلا

۱.۱ تعریف بنای عقلا

بنای عقلا اصطلاحی است که در علم اصول فقه و فقه، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است (مظفر، ۱۳۸۷، ج ۲، ص ۱۵۳؛ ولایی، ج ۱، ص ۲۴۳؛ فیض، ج ۱، ص ۲۰۳؛ جعفری لنگرودی، ج ۲، ص ۶۰؛ بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ش ۱۸۱۴).

۱.۲ تعریف ارتکاز عقلا

ارتکاز عقلا نوعی ادراک و شعور ناخودآگاه نسبت به معلوماتی است که به عمق ذهن عقلا رسوخ کرده است، به گونه ای که منشأ پیدایش آن برای آنان به تحقیق روشن نیست؛ چه طبق آن، در خارج سلوک عملی تحقق یافته باشد و چه تحقق نیافته باشد (موسوی خمینی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۱۲۳؛ مرکز اطلاعات و مدارک اسلامی، ص ۱۴۵).

۱.۳ تعریف سیره عقلا

عقلای عالم با اینکه در زمان ها و مکان های مختلف زندگی می کنند و دارای دین، مذهب و فرهنگ متفاوت هستند، در مواردی بدون توافق قبلی، عملی یکسان را به طور مستمر انجام می دهند؛ برای مثال، همه آنها ظواهر کلام را حجت دانسته و به آن تمسک می کنند و یا همه عقلا در چیزهایی که علم و تخصصی درباره آنها ندارند به خبره رجوع می کنند؛ چنان که مریض به پزشک و جاهل به عالم رجوع می کند. برخی سیره عقلایی را فراگیرتر از سلوک و رفتار خارجی دانسته و آن را شامل مرتکزات عقلایی نیز می دانند، هرچند بر طبق آن مرتکزات، در خارج هیچ گونه عملی صورت نگیرد (حکیم، ۱۴۱۸ق، صص ۱۹۸-۱۹۹).

۲ معنای اصطلاحی بنای عقلایی و سیره عقلا در نگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)

در ادبیات امام خمینی (رحمة الله علیه) مسئله حجیت بنا و سیره های عقلایی با واژه «بنای عقلا» و «ارتکاز عقلا» مطرح می شود و تفکیکی بین سیره و بنای عقلا انجام نمی دهند

(سبحانی، ۱۴۲۳ق، ج ۲، ص ۴۱۹). البته با دقت در فهم مراد ایشان از واژه‌های «ارتکاز» و «بنا» می‌توان گفت که اساساً مقصود ایشان از بنا و ارتکاز عقلایی همان سیره و رفتار و سلوک عقلایی‌ای است که در خارج محقق می‌شود.

بنابراین طبق ادبیات امام خمینی با استفاده از واژه «بنای عقلا» در مورد بناهای عقلایی به خودی خود فارغ از اینکه مصداق دارند یا ندارند (خود ارتکاز و روش عقلایی موجود در اذهان عقلا) اشاره‌ای نشده است. بلکه مقصود ایشان از «بناهای عقلایی»، مصادیق بالفعل سلوک عقلایی خاصی است که در زمان معصوم بوده است و یا مصادیق مستحدثی از این رفتارهای عقلایی که در زمان ظهور معصوم نزد خود معصوم و مردم به علم عادی، تحقیقشان معلوم بوده است.

۳. معنای اصطلاحی بنای عقلا و سیره عقلا در نگاه شهید آیت‌الله صدر

بنا بر تعریف شهید صدر، سیره عقلا اعم از این است که این سیره منجر به سلوکی خاص در خارج بشود یا نشود (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۴). بنابراین در ادبیات شهید آیت‌الله صدر واژه «سیره عقلا» بر ارتکاز و بنای عقلایی و همچنین بر سلوک عملی ناشی از آن دلالت می‌کند.

۴. مقصود نگارنده از دو واژه «بنای عقلایی» و «سیره عقلایی» در پژوهش

در این پژوهش، ادبیات نویسندگان «مستند تحریر الوسیلة» به‌عنوان مبنا انتخاب شده است.

۴.۱. مقصود از بنا و ارتکاز عقلا

مقصود پژوهش از واژه بنای عقلا همان ارتکازات، چهارچوب‌ها و خط‌مشی‌هایی است که عقلا برای تدبیر زندگی اجتماعی خود اعتبار می‌کنند. این قوانین و گزاره‌های اجتماعی، فارغ از اینکه در عینیت زندگی آن‌ها تا چه اندازه منشأ شکل‌گیری رفتارهای خاص شده باشد، برای همه افراد اجتماع معتبر است. برای مثال «لزوم رجوع جاهل به عالم»، یک بنای عقلایی است (بر اساس تعریف انتخاب‌شده از «بنای عقلایی»). معنای بنای عقلایی بودن رجوع به عالم این است که عقل عملی عقلا برای تدبیر شئون زندگی انسانی گزاره «هر جاهلی در موضوع مجهول خود باید به عالم در آن موضوع رجوع کند» را جعل و قرارداد می‌کند؛ بنابراین همه افراد عقلا این گزاره را به‌عنوان یک مبنا قلمداد می‌کنند و بر اساس آن تفهیم، تفاهم و کنش می‌کنند. این گزاره ذهنی، همان بنای عقلایی مقصود ماست. به‌دلیل اینکه همه عقلا در زندگی خود به این گزاره معتقد هستند و به عمل نسبت به آن ملتزم هستند، برای اشاره به این معنا از واژگان «بنا» و «ارتکاز» عقلایی استفاده شده است. بنابراین مقصود نگارنده از بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم، ارتکاز و روشی است که همه عقلا طبق آن عمل می‌کنند، نه مصادیق و مثال‌های جزئی این رجوع و تبعیت از عالم.

۴.۲. مقصود از سیره‌های عقلایی

مقصود از سیره‌های عقلایی، مصادیق تحقق‌یافته بناها و ارتکازات عقلایی است.



بنابراین براساس تعریف اختیارشده، رجوع بیمار به پزشک، یک سیره عقلایی است که ناشی از بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم است.

علت انتخاب این تعریف خاص از سیره، ارتکاز و بنای عقلا این است که به نظر می‌رسد این تعریف به خوبی می‌تواند برای معانی موجود در این مسئله، حدود مرزهایی واضح مشخص کند؛ به شکلی که میان گزاره‌های ذهنی عقلا و سلوک عینی آن‌ها تفکیک قائل شده باشد. این تفکیک کمک می‌کند تا در دام مغالطه اشتراک لفظی نیفتیم؛ همچنین مقصود خود را با دقت و سهولت بیشتری بفهمانیم. از این رو واژگان سیره، بنا و ارتکاز عقلا در این پژوهش بر اساس این معانی یادشده استخدام خواهند شد.

۵. نظر امام خمینی در مورد حجیت بنای عقلایی «لزوم رجوع جاهل به عالم»

امام خمینی (رحمة الله علیه) شارع را تنها ناظر به مصادیق محقق بناهای عقلایی یعنی همان سیره‌های عقلایی می‌داند، چه اینکه تصریح می‌کنند مادامی که بنایی عقلایی در مرأی و منظر معصوم نباشد، سکوت و عدم الردع معصوم به معنای تأیید آن بنا و ارتکاز نیست.

ایشان در ادامه مثال «رجوع بیمار به پزشک» را به عنوان مصداقی مطرح می‌کنند که بنایی عقلایی در منظر شارع بوده است و همه سلوک‌های رفتاری‌ای را که بعد از زمان ظهور معصوم رخ می‌دهد، فاقد حجیت می‌دانند. از این رو می‌توان گفت که ایشان اساساً شارع را ناظر به گزاره کلی «هر جاهلی در مسئله مجهول باید از عالم در آن مسئله تبعیت کند» نمی‌دانند تا عدم ردع شارع را به معنای تأیید این بنای عقلایی فهم کنند؛ بلکه شارع را تنها در مقام تأیید یا رد مصادیق محقق این گزاره عقلایی در زمان معصوم -مانند رجوع مریض به پزشک در درمان- و یا گزاره‌هایی می‌داند که در زمان معصوم علم عادی به تحققشان وجود داشت -مانند رجوع به فقیه در احکام.

باید توجه کرد که امام خمینی (رحمة الله علیه) به اینکه شارع ناظر به خود بناهای عقلایی نیست تا بتوان از عدم ردع او معنای اثبات آن بناهای عقلایی را فهم کرد، تصریح یا حتی اشاره نمی‌کنند؛ بلکه این حاصل استنتاج نویسنده از تجمیع قرائن در بحث است. چراکه ایشان در ابتدا رادعیت ادله «نهی از تبعیت از ظنون» را در بناهای عقلایی رد می‌کنند، به این معنا که شارع برای نهی از ارتکازات و گزاره‌های عقلایی نمی‌تواند به ادله عام نهی از تبعیت از ظنون اکتفا کند و باید به نهی از آن‌ها تصریح کند؛ ولی در ادامه تنها در مورد سلوک و رفتارهای عقلا که بر اساس اعتبارات عقلایی آن‌هاست سخن می‌گویند و اساساً در مورد خود این گزاره‌های عقلایی در مرتبه عقل عملی عقلا سخنی نمی‌گویند.

البته ایشان به شکل صغروی بسیاری از روایات را کاشف از این می‌دانند که در زمان حضور معصوم هم عنوان فقیه و رجوع به او شکل گرفته بوده است. اما در ادامه بیان می‌کنند که اگر فرضاً بپذیریم که این رجوع به فقیه در زمان حضور معصومین شکل نگرفته بوده است، طبیعتاً امام معصوم که خود از احوال غیبت خبر می‌داده‌اند، زمینه‌سازی شکل‌گیری جریان فقاهاست را می‌کرده‌اند و... اگر نسبت به رجوع مردم به فقها در آینده -که نزد مردم و امام به علم عادی

مشخص بوده است- ردعی نکرده‌اند، این عدم‌الردع به معنای امضا، حجیت و تأیید این برداشت مردم است (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۱).

بر اساس نگاه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)، آن مصادیقی از تبعیت از اهل علم که هنوز در زمان امام معصوم محقق نشده‌اند و اساساً مردم نسبت به تحقق آن‌ها هیچ علمی ندارند و امام معصوم هم نسبت به تحقق آن‌ها -با علم عادی خود- علمی ندارد، خارج از محدوده بیان شارع هستند و شارع وظیفه‌ای نسبت به آن‌ها ندارد. به همین خاطر سکوت و عدم‌الردع او نه به معنای تأیید این مصادیق مستحدث است و نه به معنای رد آن‌ها.

نکته ۱: ایشان در مطالب خود اساساً ناظر به خود بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم نبوده‌اند، بلکه ناظر به «بنای عملی عقلا» و «سیره‌های عقلایی» محقق بوده‌اند. اینکه ایشان شارع را ناظر به اصل بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم نمی‌دانسته‌اند با تصریح ایشان به دست نیامده است؛ بلکه ایشان معتقد هستند که بنای عقلا تنها زمانی می‌تواند حجت باشد که در «مرأی و منظر» معصوم باشد، شارع توان ردع داشته باشد ولی از جانب شارع ردعی صورت نگیرد. البته ایشان این در مرأی و منظر شارع بودن را با تحقق خارجی و یا معلوم‌التحقق بودن آن سیره و سلوک در زمان ظهور معصوم توضیح می‌دهند. این تبیین ایشان از بناهای عقلایی می‌فهماند که ایشان اساساً شارع را ناظر به خود بنای عقلایی «لزوم رجوع جاهل به عالم» ندیده‌اند و بر همین اساس بر مبنای توضیح ایشان بناهای عقلایی به خودی خود حجیتی ندارند.

نکته ۲: تفکیک میان سیره‌های محقق در زمان معصوم و سیره‌های غیرمحقق که در زمان معصوم علم به آن‌ها بوده است، متعلق به امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) است (موسوی خمینی، ۱۴۲۶ق، ص ۸۱). اما این تفصیل که تنها سیره‌هایی مورد تأیید و رد شارع نبوده‌اند که تحقق آن‌ها برای امام و مردم در زمان ظهور امام معلوم نبوده است، حال آنکه اگر تحقق سیره و سلوکی در آینده، در زمان ظهور معصوم برای مردم و امام -با علم عادی ایشان- معلوم بوده است، این سیره مستحدث هم در حکم همان سیره‌های محقق هستند و عدم ردع شارع نسبت به آن‌ها به معنای تأیید آن‌هاست، مستند به تقریرات مقررین ایشان است (فاضل موحدی لنگرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۴۴۴-۴۴۵).

ایشان عدم ردع شارع را تنها اثبات‌کننده سیره‌های محقق در زمان ظهور معصوم -مانند رجوع به پزشک و فقیه- و سیره‌هایی می‌دانند که در زمان ظهور معصوم علم (عادی و نه غیبی) به تحقق آن‌ها در آینده وجود داشته است.

۶. نظر شهید آیت‌الله صدر (رحمة‌الله‌علیه) در مورد حجیت بنای عقلایی «لزوم رجوع جاهل به عالم»

نگارنده بر این باور است که ایشان هرچند قبول دارند که سیره عقلایی تنها زمانی با ردع نشدن از سوی شارع حجت تلقی می‌شود که در زمان ظهور معصوم در مرأی و منظر معصوم موجود بوده باشد، اما از نگاه ایشان خود بناهای عقلایی محل تأیید یا رد شارع بوده‌اند، نه سیره‌های عقلایی شکل‌گرفته بر اساس آن‌ها.



بنابراین از آنجا که ردعی نسبت به بنای عقلایی «رجوع جاهل به عالم» صورت نگرفته است، پس همه مصادیق و سیره‌های عقلایی شکل گرفته بر اساس این بنای عقلایی -چه در زمان معصوم محقق شده باشند (مانند رجوع به پزشک)، چه در زمان معصوم شکل نگرفته باشند (مانند رجوع به لغوی، رجوع به روان‌شناس و...) - مورد امضای شارع است. از این رو هرچند معتقد باشیم که مثلاً مراجعه به فقیه در زمان ظهور معصوم شکل نگرفته باشد، اما از آنجا که این رجوع، یکی از مصادیق بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم است و این بنای عقلایی به خودی خود مورد تأیید شارع است، پس هر زمانی که سیره‌ای عقلایی بر اساس آن شکل بگیرد حجت خواهد بود.

ایشان در کتاب‌های مستقیم خود، عباراتی تفصیلی ندارند که اگر آن بنای عقلایی که در زمان معصوم وجود دارد تبدیل به مصادیق خارجی و رفتار عقلا نشده باشد، آیا باز هم شارع ناظر به آن بنای عقلایی هست یا نه؛ همچنین ایشان در مقام توضیح کیفیت استکشاف حجیت سیره‌های عقلایی، شرط حجیت سیره‌های عقلایی را «هم‌زمانی آن‌ها با زمان ظهور معصوم» می‌دانند و در مقام بیان مثال از مصادیق دارای حجیت سیره‌های عقلایی هم از مثال‌هایی استفاده می‌کنند که کاملاً در زمان معصوم محقق بوده‌اند، نه از خود ادراک ذهنی جامعه زمان ظهور معصوم نسبت به «لزوم رجوع به عالم». این همه می‌تواند نشانگر این باشد که مقصود ایشان نیز از واژه «سیره عقلا» همان مصادیق محقق هستند و بنابراین ایشان هم‌نظر امام خمینی (رحمة الله علیه) هستند.

۶.۱. اثبات تفاوت دیدگاه شهید آیت الله صدر و امام خمینی (رحمة الله علیه) با تکیه بر

قرائن موجود در کتب شهید آیت الله صدر

باید گفت که با در نظر گرفتن دو قرینه مهم موجود در عبارات‌های ایشان می‌توان ادعای خود را -که ایشان شارع را ناظر به خود بناهای عقلایی می‌دانسته‌اند، نه فقط سیره‌های شکل گرفته بر اساس آن‌ها- اثبات کرد:

۶.۱.۱. تکیه بر واژه «میل عام»

ایشان برای اشاره به معنای مدنظر خود از واژه «میل عام» استفاده می‌کنند و در توضیح آن بیان می‌دارند که اگر شارع در مقابل میل عام عقلا برای کاری مثلاً اخذ به ظهور کلام‌ها سکوت کند و ردعی نداشته باشد، این به معنای موافقت آن میل عام با شریعت اسلامی است. بنابراین استخدام واژه «میل عام» از سوی ایشان برای توضیح «سیره‌های عقلایی» شاهی است بر اینکه مقصود ایشان از میل عام و سیره‌های عقلایی، اصل ارتکاز و پس‌زمینه ذهنی عقلاست و ایشان در مباحث خود آن لایه از اعتبارات عقلایی عقلا را به‌عنوان مطابق واژه سیره انتخاب کرده‌اند (فاضل موحدی لنکرانی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، صص ۴۴۴-۴۴۵).

۶.۱.۲. شمول علت بیان شده توسط ایشان

استدلال ایشان در مورد حجیت سیره‌های عقلایی به لزوم بیان احکام که شامل خود بناهای عقلایی هم می‌شود (صدر، ۱۴۱۸ق، ص ۳۶۵).

تا اینجا تفاوت نگاه شهید آیت‌الله صدر و امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) اثبات شد. حال با استفاده از کتب مقررین درس خارج اصول ایشان، اولاً دگر بار -به‌شکلی صریح- تفاوت نگاه شهید آیت‌الله صدر تبیین خواهد شد؛ همچنین به استدلال‌های مطرح‌شده در اثبات نگاه ایشان پرداخته می‌شود.

۶.۲. اثبات دیدگاه شهید آیت‌الله صدر در کتب مقررین درس خارج اصول ایشان

۶.۲.۱. اثبات دیدگاه شهید صدر در عبارات آیت‌الله شاهرودی در کتاب بحوث

ایشان در کتاب بحوث -که تقریر ایشان از درس خارج اصول شهید آیت‌الله صدر است و پس از اتمام به تأیید ایشان رسیده است- در ابتدای بحث از حجیت سیره عقلا و در مقام تعریف اصطلاح مدنظر خود تصریح می‌کنند که مقصودشان از واژه «سیره»، خود بناهای عقلایی است -چه منجر به رفتار خارجی شده باشند، چه در ارتکاز عقلا مانده باشند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۳۵). در ادامه ایشان در بحث مقدار مفاد امضای سیره‌های عقلایی، نظریه‌ای که امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) هم قائل به آن هستند -که سلوک و سیره عملی‌ای که در زمان معصوم شکل بگیرد و شارع با وجود قدرت ردع نسبت به ردع آن ساکت باشد، حجیت خواهد داشت- را مطرح می‌کنند و با استدلال بر اینکه عقلا همیشه بر اساس بناهای عقلایی خود عمل می‌کنند (و طبیعتاً این بنای عقلایی را در امور مرتبط با هدایت و مسائل دینی هم تطبیق می‌دهند) و معصوم وظیفه ابلاغ احکام اسلامی را دارد و در صورت عدم اتخاذ موضع در قبال این بنای عقلایی این وظیفه خود را استیفا نکرده‌اند، شارع را ناظر به خود بناهای عقلایی می‌دانند و معتقد هستند در صورت عدم یافتن ردع از جانب شارع، این بناهای عقلایی به‌خودی‌خود حجیت خواهند داشت (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۲۴۷).

البته ایشان در این قسمت، اصل اینکه بناهای عقلایی هم محل ردع یا امضای شارع هستند را اثبات می‌کنند و اینکه آیا شارع نسبت به بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم ردعی دارند یا با سکوت خود به آن حجیت بخشیده‌اند را در بحث حجیت قول علمای لغت و با تصریح به تشریح شدن تعبد از علما مطرح می‌کنند (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۹، ص ۳).

ایشان همچنین ذیل این مسئله که وظایف شرعی تا چه اندازه متوجه مجتهد است، مطرح می‌کنند که خود دلیل «رجوع جاهل به عالم» برای اثبات حجیت رجوع به هر عالمی از جمله فقیه برای یافتن پاسخ مسائل مشترک میان عالم و جاهل، کافی است (هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷ق، ج ۴، ص ۱۴).

۶.۲.۲. اثبات دیدگاه شهید آیت‌الله صدر در بیان آیت‌الله حائری در حجیت بناهای عقلایی

ایشان در مقام بیان وسعت تأیید شارع، بیان می‌کنند که بنا بر استدلالی که اگر شارع سیره عقلایی‌ای را قبول نداشته باشد و به‌عنوان فردی از عقلا آن را بیان نکند نقض غرض رخ می‌دهد، نتیجه می‌گیرند که تنها می‌توان حجیت سیره‌هایی از عقلا را که در زمان معصوم در خارج محقق شده بود اثبات کرد.

در نهایت اما با بیان اینکه اگر استدلال لزوم بیان احکام اسلامی برای معصومین را در نظر بگیریم، خود «نکته»ی مبنای سیره‌های عقلایی باید مدنظر شارع باشد و عدم ردع او نسبت به آن نکته (همان بنای عقلایی) به معنای امضای خود آن «نکته» خواهد بود، می‌پذیرند که شارع ناظر به خود نکته و بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم نیز هست و اگر در این مقام ردعی نکرده باشد به معنای تأیید خواهد بود (حسینی حائری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۱۳۱).

البته نهایتاً ایشان در بحث حجیت قول لغوی بیان کرده‌اند که ارتکاز عقلایی رجوع جاهل به عالم در امور حدسیه مانند طب، فقه و... حجت است؛ هرچند که ایشان این ارتکاز را در اثبات حجیت قول لغوی کارگر نمی‌دانند (حسینی حائری، ۱۴۰۸ق، ج ۲، ص ۲۵۷).

۷. بیان محل دقیق اختلاف نظر بین شهید آیت‌الله صدر و امام خمینی (رحمة الله علیهما)

با توجه به نظرات بیان‌شده از این دو شخصیت بزرگ می‌توان گفت که آنچه محل اتفاق هر دو است، این است که اگر بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم به مرحله تحقق «سیره» و «سلوک عملی» برسد و این سیره عقلایی معاصر با ظهور معصوم باشد، قطعاً معصوم متوجه این سیره عملی است. بنابراین اگر توان ردع آن را داشته باشد و ردعی نکند، برای ما اثبات خواهد شد که این سیره دارای حجیت شرعی است.

آنچه محل اختلاف است، این است که آیا خود بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم که در زمان معصوم در اذهان همه عقلای و به صورت خاص در بین امت اسلامی - وجود داشته است ولی بسیاری از مصادیق آن در آن زمان تحقق نیافته بودند، به خودی خود محل اظهار نظر شارع و در نتیجه محل رد یا اثبات شارع بوده‌اند یا نه.

۸. تبیین اشکال وارد به نگاه امام خمینی (رحمة الله علیه) بر اساس نگاه شهید آیت‌الله صدر و پاسخ‌های احتمالی مدافعان نگاه امام خمینی

۸.۱. تبیین اشکال دیدگاه شهید صدر به دیدگاه امام خمینی (رحمة الله علیه)

می‌دانیم که تبعیت جاهل از عالم، یکی از مصادیق تبعیت از «ظن» و گمان است؛ چه اینکه اگر جاهلی با مراجعه به نظر یک عالم به قطع برسد، این قطع به خودی خود حجت است و نیازی به اثبات حجیت نخواهد داشت. همچنین می‌دانیم که ادله‌ای عام دینی در نهی از تبعیت از ظنون وجود دارد. با این حال معتقد هستیم که بعضی از مصادیق تبعیت از ظنون وجود دارند که اساساً مصادق عناوین این ادله عام نمی‌شوند و نمی‌توانیم برای اثبات عدم حجیت آن‌ها به این عمومات اخذ کنیم. امام خمینی (رحمة الله علیه) علت این عدم شمول را این می‌داند که بعضی از این مصادیق تبعیت از ظن، به اندازه‌ای در زندگی عقلا دارای سابقه و عمق هستند که به صورت یک «ارتکاز» و «بنای عقلایی» درمی‌آیند؛ و به دلیل همین شدت مقبولیت و رواج عمل بر اساس این بناهاست که مردم در مخاطبه با ادله نهی از تبعیت از ظنون، این مصادیق را به عنوان مصادیقی برای این ادله عام به حساب نمی‌آورند و این ادله را منصرف از این

مصادیق قلمداد می‌کنند. امام خمینی از این تبیین نتیجه می‌گیرند که در این صورت اگر شارع حکیم اراده نهی از این ارتکازات و بناهای عقلایی را داشته باشد، نمی‌تواند به نهی عام تبعیت از ظنون اکتفا کند و باید با تصریح به نهی از تبعیت از این بناهای عقلایی بپردازد.

اما خود امام در ادامه مباحث خود و با اینکه سابقاً پذیرفته بودند که نفی «ارتکازات عقلایی» توسط شارع نیاز به تصریح در نفی دارد و ادله نهی از تبعیت از گمان شامل آن‌ها نمی‌شوند، شارع را تنها ناظر به مصادیقی از این بناها و ارتکازات عقلایی می‌دانند که در زمان ظهور معصوم تبدیل به سیره عملی شده است و از اساس متعرض حجیت خود این گزاره‌های عقلایی و نوع دیدگاه اجتماعی نمی‌شوند.

بنابراین می‌توان گفت که بر اساس تبیین خود امام از عدم شمول ادله نهی از تبعیت از ظنون، نهی از تبعیت از بناهای عقلایی - که همه عقلاً از آن تبعیت می‌کنند و دارای تأثیرگذاری حداکثری در شئون زندگی از جمله مسائل مرتبط با هدایت بشر هستند - نیازمند تصریح و ابراز نظر قاطع شارع است.

بنابراین باید پذیرفت که اگر شارع در بیانات خود «تصریح به نفی» این بناها و ارتکازات عقلایی نکند و همچنین در عدم ردع خود هم ناظر به این بناها و ارتکازات نباشد و تنها به مصادیق محقق و موجود زمان ظهور معصوم اکتفا کرده باشد، در بیان احکام شریعت اسلامی کوتاهی کرده است و بیان حکم بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم، با وجود شیوع و تأثیرگذاری حداکثری خود در جوامع انسانی بدون تعیین تکلیف و بدون هیچ عذری رها شده است؛ اما می‌دانیم شارع حکیم و ائمه معصومین (علیهم‌السلام) ممکن نیست که در این وظیفه خود کوتاهی کنند.

البته باید گفت که بر اساس دیدگاه شهید آیت‌الله صدر نه تنها شارع در تأیید و رد خود ناظر به اصل بناهای عقلایی است، بلکه با فحوص و نیافتن ردع شارع از بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم، این بنای عقلایی در نگاه ایشان دارای حجیت است.

۸.۲. پاسخ‌های احتمالی طرفداران دیدگاه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه)

البته ممکن است عده‌ای معتقد باشند که علت اینکه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) سکوت امام را تنها امضاکننده سیره‌های عملی دانسته‌اند نه خود بناهای عقلایی، این باشد که ایشان هر چند شارع را ناظر به اصل بناهای عقلایی می‌دانسته‌اند اما در مقام یافتن نظر شارع، ردع‌های صریحی نسبت به اصل بناهای عقلایی یا مصداق بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم یافته‌اند و بر این اساس شمول و کلیت این بنای عقلایی در نظر ایشان مخدوش گشته و تنها مواردی از این بنای عقلایی که در زمان ظهور معصوم تبدیل به سیره عملی شده بوده‌اند و معصوم ردعی نسبت به آن‌ها نداشته است را مورد تأیید شارع می‌دانسته‌اند.

هر چند باید گفت این تنها یک احتمال است که برای استناد آن به امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) باید شواهدی بیابیم. حال آنکه اولاً از مجموع بیانات ایشان و مقررین درس اصول

ایشان این نگاه استخراج نمی‌شود. ثانیاً در صورت اثبات ردع صریح شارع نسبت به اصل بناهای عقلایی، حجیت همه سیره‌های شکل‌گرفته بر اساس آن هم مخدوش خواهد بود و برای اثبات حجیت نوبت به سکوت شارع نمی‌رسد.

در نتیجه می‌توان گفت که چه‌بسا وظیفه امام معصوم و شارع در توجیه نظام اعتبارات عقلایی و گزاره‌های ذهنی عقلا توسط امام مورد غفلت واقع شده است. شاهد این ادعا این است که با وجود اینکه استدلال طرفداران دیدگاه شهید آیت‌الله صدر هم بر «وجوب تبلیغ احکام» توسط امام است، امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) و مقررین دروس ایشان اساساً متعرض این استدلال نمی‌شوند تا بخواهند نسبت به استدلال قائلین به آن اشکالی داشته باشند.

نتیجه‌گیری

امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) در نظرات خود ناظر به خود بنای عقلایی (فارغ از سیره‌های محقق یا غیرمحقق شکل‌گرفته بر اساس آن) نبوده‌اند. بنابراین بر اساس نگاه ایشان خود بنای عقلایی «رجوع جاهل به عالم» حجیت ندارد.

از نگاه امام خمینی (رحمة‌الله‌علیه) تنها سیره‌های عقلایی‌ای که در زمان ظهور معصوم در منظر معصوم وجود داشته‌اند و همچنین سیره‌هایی که در آن زمان با علم عادی و غیرغیبی معلوم‌التحقق بوده‌اند امکان حجیت یافتن از طریق عدم ردع شارع را دارند. بنابراین از نگاه ایشان تنها سیره‌های شکل‌گرفته بر اساس «بنای عقلایی رجوع به عالم» در زمان ظهور معصوم، یا سیره‌هایی که با وجود اینکه مردم زمان ظهور معصوم و خود معصوم علم عادی به تحقق آن در آینده داشته‌اند، در صورت عدم اثبات ردع از جانب شارع حجیت خواهند داشت؛ مانند سیره عقلا در رجوع به پزشک و رجوع به فقیه در زمان ظهور معصوم.

شهید آیت‌الله صدر اساساً شارع را ناظر به بناها، ارتکازات و نکات عقلایی می‌دانند؛ بنابراین در نظر ایشان در صورت عدم اثبات ردعی از جانب شارع برای یک بنای عقلایی، آن بنای عقلایی به صورت کلی دارای حجیت می‌شود. بر این اساس و با اثبات حجیت بنایی عقلایی، تمام سیره‌های عقلایی شکل‌گرفته بر اساس آن، چه در زمان ظهور معصوم پدید بیایند و چه بعد از آن، دارای حجیت خواهند بود.

با جست‌وجو در آثار شهید آیت‌الله صدر و مقررین دروس ایشان درمی‌یابیم که ایشان در مورد «بنای عقلایی رجوع جاهل به عالم» ردعی نیافته‌اند، از این رو در دروس به‌جامانده از ایشان به حجیت این بنای عقلایی تصریح شده است. این حجیت به تمام سیره‌های عقلایی در مسئله رجوع به عالم سرایت می‌کند؛ بنابراین همه مصادیق مستحدث رجوع به عالم دارای حجیت شرعی خواهند بود.

می‌توان گفت که بر اساس سکوت امام خمینی و مقررین ایشان نسبت به حجیت بناهای عقلایی، عدم حجیت بناهای عقلایی در دیدگاه ایشان نتیجه یک استدلال علمی نیست، بلکه نتیجه نپرداختن به موضوع و مغفول ماندن حجیت مرحله‌ای از اعتبارات عقلایی نزد ایشان است.

این موضوع البته در روند پیشرفت و تطور مباحث علمی کاملاً طبیعی است و از ارزش ظرافت‌های مباحث ایشان در گوشه‌های دیگر مباحث «حجیت سیره عقلا» نمی‌کاهد.

منابع و مأخذ

- حسینی حائری، سید کاظم (۱۴۰۸ق). مباحث الاصول (چاپ اول). قم: مطبعه مرکز النشر - مکتب الاعلام الاسلامی.
- حکیم، محمد تقی (۱۴۱۸ق). الاصول العامة فی الفقه المقارن (چاپ دوم). قم: مجمع جهانی اهل بیت (ع).
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۳ق). تهذیب الاصول (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- صدر، سید محمدباقر (۱۴۱۸ق). دروس فی علم الاصول (چاپ پنجم). قم: موسسه النشر الاسلامی.
- فاضل موحدی لنکرانی، محمد (۱۴۲۰ق). معتمد الاصول (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- مظفر، محمد رضا (۱۳۸۷ش). اصول الفقه (چاپ پنجم). قم: بوستان کتاب.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۱۰ق). الرسائل (چاپ اول). قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان.
- موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۶ق). الاجتهاد و التقلید (چاپ اول). تهران: موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۱۷ق). بحوث فی علم الاصول (چاپ سوم). قم: موسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.